

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

دکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

« حیرت انگیز است که چگونه از یک جامعه خیره سر،  
خود بین خویش و بد بین اجنبی یکی از لایقترین و پیشرفته ترین  
آزادی پرستان آسیا ، شخصی مانند امان الله خان ظهور  
میکند . این رهنمای حاضر نبود که ترقی و تعالی دنیا ای پیش  
رفته را مشاهده و عقب ماندگی خاک خویش را تحمل کند »  
(لیون پولا دا )

بخش پنجم

تشکیل دولت مشروطه افغانستان:

قبل از آنکه شکل و عملکرد دولت مشروطه را در کشور به بررسی بگیریم ، بیموردن خواهد بود تارشد مشروطیت مختصرآ در زادگاه اصلی اش یعنی غرب تشریح شود :

مشروطیت محصول تمدن معاصر غرب است که با انکشاف اقتصاد سرماید اری در اواخر قرن نزد هم و اوایل قرن بیستم به ممالک آسیا یی و افریقا یی ، بالخصوص کشورهای مستعمره گسترش یافت . وقتی سخن از تمدن معاصر غرب به میان می آید منظور از بیست و چندین تمدن جهانیست که این بار در اروپا عرض وجود نمود. اگرچه مقدمات این مدنیت مدت ها قبل چیده شده بود ، اما آغاز آن از قرن هفتم میلادی مشهود گردید که به این حساب این تمدن تا حال مدت چهار صد سال را پشت سر گذاشته است . قبل از آن غرب ، نه تنها از شرق پیشرفته تر نبود ، بلکه در سراسر قرون وسطی (قرون تاریخی اروپا) در توحش و تاریکی به سر

می برد ، در حالیکه آسیای جنوب غربی در آن زمان کانون مد نیت مترقی یعنی اسلامی – خراسانی بود که اروپا بیان در راثر تماش های نظاری و تجارتی ، علوم و فنون و پیشرفت های صنعتی را از آنجا به اروپا به ارمغان برند . این نکته در خور توجه است که تمدن معاصر غرب به هیچ وجه ادامه مد نیت های یونان و روم قدیم نیست و هیچ نوع ارتباط بین آنها وجود ندارد ، زیرا از سقوط دلت روم غربی در قرن پنجم میلادی تا قرن هفدهم فاصله زمانی بین تمدن های فوق الذکر و مد نیت معاصر غرب بیشتر از هزار سال میباشد ، درحالیکه اکشاف اقتصاد سرمایداری و ساختارهای سیاسی و فرهنگی (از جمله اصل آزادی ، دموکراسی و مشروطیت ) از اوایل قرن سیزدهم میلادی مطرح بحث است .

منتشر کبیر ، انقلاب هالند ، انقلاب بورژوازی انگلستان و تصویب حقوق پارلمان ، انقلاب کبیر فرانسه ، اعلا میه حقوق بشر بالترتیب در سده های شانزدهم ، هفدهم و هزدهم میلادی بازتابی بود از اکشاف اقتصاد سرمایداری و رشد رونایی آن یعنی ساختارهای سیاسی و فرهنگی . با تصویب حقوق پارلمان انگلستان در قرن هفدهم که در آن بیشتر قواعد اساسی دولت مشروطه زمان ماصراحتاً مندرج است ، نخستین بار مشروطیت به شکل محسوس در آن کشور تطبیق و پارلمان از قدرت عالی برخورد ارادت .<sup>(۱)</sup>

در افغانستان در دوره سلطنت امیر شیرعلی خان (۱۸۶۲-۱۸۷۸م) طرح پلان اصلاحات اقتصادی و اداری سید جمال الدین افغانی که می با بیست عملی میگردید ، با تعرض نظامی دولت انگلیس طومار آن در هم پیچید و تا آغاز قرن بیستم همچنان پیچیده باقی ماند .<sup>(۲)</sup> تا آنکه در دوره سلطنت امیر حبیب الله خان با رشد تدریجی و بطي سرمایه تجارتی ، اصلاحات محدود و مجدد از سر گرفته شد . اگرچه این رiform ها به مقیاس عقب ماند گی کشور خیلی کوچک و ناچیز بود اما در مقایسه عمل کرد امیران ماضی قابل یاد آوری است . ما در اینجا با خاطر اهمیت تأثیرگذاری آنها در امر اکشاف آینده جنبش مشروطه خواهی ، به صورت خیلی مختصر از بعضی اصلاحات دوره حبیب الله خان نام می بریم :

امیر حبیب الله خان در عرصه های فرهنگی و مطبوعاتی کارهای محدودی انجام داد ، برای اولین بار معارف عصری را در افغانستان پی ریزی نمود ، مکاتب حبیبیه و حربیه بالترتیب در سال های ۱۹۰۳ و ۱۹۰۹م تأسیس گردیدند ، اما ساحه توسعه معارف محدود به شهر کابل ماند که تعداد عمومی شاگردان آن به ۱۵۳۴ و معلمین به ۵۵ نفر میرسد .<sup>(۳)</sup> در لابلات و اطراف کشور از معارف هنوز خبری نبود . این تشکیل محدود معارف توسط اداره ای به نام «انجمن معارف» تحت ریاست عنايت الله خان معین السلطنه پسر بزرگ امیر تنظیم و مسؤولیت تدریس را معلمین افغانی و هندی و ترکی به دوش داشتند . تعداد شاگردان مکتب حربیه ۹۰۰ تن بود که معلمین افغانی و ترکی در آن تدریس می نمودند و نظارت عمومی این مکتب نظامی را سپهسالار محمد نادر خان به عهد داشت .<sup>(۴)</sup>

در عرصه مطبوعات قدم های کوچک برداشته شد : سراج اخبار (۱۹۱۱م) و سراج اطفال (۱۹۱۸م) به نشرات آغاز نمودند و مطابع جدید به کار آمد اخته شد . ایجاد فابریکه های پشمینه بافی ، چرمگری ، ساختمان برق جبل السراج ، حفر نهر سراج ، احداث شوارع و خطوط مواصلاتی و اعمار پل ها عملی گردید و هم برای تنظیم امور اداری کشور مجلس مختصر تقیینی دایر شد ، در تشکیل نظامی اصلاحات سطحی به وجود آمد .

اما این نکته را قابل یادآوری مید اینیم که این تغییرات ناچیز با انواع فساد اداری ، بی کفایتی و ناتوانی دولت غیرقابل مقایسه بود ، چه اداره دولتی روز تاریخ به انحطاط میرفت ، ما مورین ملکی و نظامی

با لای مردم ستم میکردند ، ارتشهاء ، سوئ استفاده از موقعیت های اداری و خویشاوندی به امر عادی روز مره تبدیل شده بود ، حتی مقام ها و ادارات دولتی در معرض خرید و فروش قرار میگرفت ، اخذ اనواع مالیات ، خرید اری های دولتی و شخصی ، بیگار ، معاشات سالانه فامیل و پسران امیر ، اشراف و سرداران ، مصارف بی حد و حصر دربار با تشکیلات وسیع آن بر دوش مردم سنگینی میکرد . شورش های پکتیا و قند هار محصول همین بی عدالتی امیر و ضعف و ناتوانی سلطنت او بود .

این نابسامانی ها صرفاً در عرصه های اداری و مالی نبود ، بلکه در ساحه سیاسی وضع به مراتب بدتر از این بود . امیر در سال پنجم سلطنتش با انگلیس ها از در سازش پیش آمد که این امر سخت مردم و به خصوص قشر روشنفکر را تکان داد .

امضاء قرارداد ۲۱ مارچ ۱۹۰۵ م با انگلیس ها که در حقیقت موید تمامی تعهدات امیر عبد الرحمن خان پدرش با حکومت هند بریتانی بود ، یک با ریدگر مشت امیر را نزد ملت افغانستان بازنمود و اورانزد مردم سخت بی اعتبار ساخت . اعلان بیطریقی افغانستان در جنگ جهانی اول و بازگشت بی حاصل هیأت سیاسی المان - ترکیه با نامه های « ولهم دوم امپراطور المان » و « محمد ارشاد خا مس سلطان ترک » از افغانستان در این زمان حساس و بحرانی تضاد های درونی دربار را حادتر ساخت . مردم افغانستان به شمال بزرگان دربار ، مامورین دولتی به زعامت سردار نصر الله خان نائب السلطنه که خواهان اعلان جهاد علیه انگلیس و استرداد استقلال کشور بودند ، میخواستند « اتحاد نظامی باهمی » با نیروهای مرکزی امضاء شود ، اما اعلان بیطریقی امیر آنها را شدیداً مایوس ساخت .

مجموعاً تما بحرانهای اداری ، اقتصادی و سیاسی که در فوق ذکر شد ، زمینه دگرگونی سیاسی و اجتماعی را در جامعه فیودالی کشور مساعد ساخت تا سرانجام منجر به یک تحول سیاسی و فرهنگی و ایجاد دولت مشروطه گردید .

#### **قتل امیر حبیب الله خان و کسب قدرت توسط مشروطه خواهان :**

انقلاب مشروطه افغانستان از زمرة مهمترین تحولات سیاسی و فرهنگی در منطقه بود که مبارزین مشروطه خواه با تلاش و مجاہدت مستدام وطن پرستانه با از میان برداشتن امیر حبیب الله خان از صحنه سیاسی ، سلطه استبداد و حکومات خود کا مه را که زیادتر از یک قرن در کشور سایه افگند ه بود سرنگون و به جای آن دولتی را ایجاد نمودند که هدف آن در قدم اول استرداد استقلال کشور ، برقراری اصل حاکمیت ملت و تنفيذ قوانین در جامعه بود . این شیفتگان دولت مشروطه در جریان سیزده سال مبارزات شان ( ۱۹۰۵-۱۹۱۹ م ) نشیب و فراز زیادرا پشت سر گذاشتند و در تحت بدترین شرایط سیاسی و اجتماعی مبارزه نمودند ، اما مقاومت و عزم راسخ شان را تاریخ بودن به هدف از دست ندادند و با لآخره آرمان مشروطه خواهان اول و دوم که ایجاد دولت مشروطه ( پارلمانی ) بود به همت والا آنها تحقق پذیرفت .

قتل امیر حبیب الله خان مطابق اظهار اکثر نویسندها یک امر تصادفی ، انفرادی و یا صرف بخار طر اختلافات خانوادگی و فامیلی نبود ، بلکه یک عمل سیاسی ، دسته جمعی و از قبل پلان شده محسوب میشود . این امر به دستور مشروطه خواهان که شاخه های آن هم در دربار و هم خارج دربار بود صورت گرفت . شکی نیست که اختلافات در درون دستگاه حاکمه که جزئی از تضاد های اجتماعی و اقتصادی جامعه بود وجود داشت و امان الله خان عین الدوله با همان پیگاه طبقاتی اش فردی از افراد مشروطه طلب بود . بناء

حادثه کله گوش به خاطر سرنگونی سلطنت مطلقه که مانع عدم در برآ بر هر نوع تغییر شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ایجاد دولت مشروطه بود، صورت گرفت.

به هر صورت واقعه کله گوش اولین سوء قصد علیه جان امیر نبود، بلکه قبلاً دوبار دیگر نیز چنین تصامیم اتخاذ شده بود که امیر از آنها جان به سلامت برده بود.

بعد از عمل نافرجام عبد الرحمن لودین در محله سور بازار کابل مبنی برسوء قصد علیه جان امیر، در زمستان همین سال «حزب سری دربار» فیصله نمود تا امیر حبیب الله خان را در جلال آباد از بین برده و نایب السلطنه را در مرحله اول به پادشاهی بردارند. گویند برای اجرای این عمل ده تا دوازده نفر از اعضای «جمعیت سری» بر قرآنی تحریر و امضاء نموده و آنرا به سردار سپردند.<sup>(۵)</sup> وقتیکه نماینده حزب به غرض تعامل سوء قصد علیه امیر نزد نایب السلطنه رفت او اظهار نمود که من به کشتن امیر موافق ندارم، اما اگر محبوس نگهد استه شود، مخالفت خواهم کرد.<sup>(۶)</sup>

اظهارات سردار نصر الله خان نایب السلطنه جمعیت سری دربار را سخت به تشویش انداخت زیرا تعهد نامه در قرآن شریف نزد نصر الله خان بود و او میتوانست با یک اشاره به امیر حزب رانبا بود کند که نکرد و بعداً حزب مذکور این تصمیم را برای یک سال دیگر یعنی تا سال ۱۹۱۹ م به تعویق انداخت. بعد از قتل امیر حبیب الله خان، زمانیکه مشروطه خواهان زمام امور کشور را به دست گرفتند اعلیحضرت امان الله خان شجاع الدوله فراشباشی را جهت اعاده تعهد نامه مندرجه قرآن شریف در محبس ارگ (جر ثقیل) نزد سردار نصر الله خان نایب السلطنه فرستاد، سردار موصوف نه تنها از استرداد آن، بلکه از ارائه معلومات در زمینه بكلی انکار نمود و گفت: «نمیدانم که این قرآن شریف در کجا است؟ این قرآن شریف باتما م تلاشی که در جلال آباد و کابل در خانه های سردار مذکور به عمل آمد پیدا نشد.<sup>(۷)</sup>

سوء قصد نهایی علیه جان امیر در شب ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ م (اواخر برج دلو ۱۲۹۷ هش) ساعت سه بجۀ شب مطا بق پلان حزب درکله گوش لغمان با فیر تفنگچه و همکاری محافظین عالی رتبه صورت گرفت.<sup>(۸)</sup> اگر چه بعد از اجرای عمل قتل، عاملین آن نظر به ملحوظات خاص سیاسی و بعداً استبداد داخلي و اختناق دوامدار، برای مدت هادر پرده ابها م باقی مانده بود و مسؤولیت آنرا گاهی به دوش اداره جاسوسی انگلستان - مصطفی شاه جیر<sup>(۹)</sup> و زمانی به گردن مردم قبایل از شهر پشاور حواله مینمودند<sup>(۱۰)</sup>، اما غافل از آنکه «تاریخ سکوت می شکند» و اسناد سخن میگویند و هیچ حادثه تاریخی برای همیش مکتوم نمیماند.

در مورد قتل امیر حبیب الله خان و عاملین آن طوریکه قبلاً ظهار شد، شایعات مختلف و متضاد وجود دارد: به قول روان شا دمیر محمد صدیق فرهنگ مؤلف «افغانستان در پنج قرن اخیر» حافظ سیف الله سفير هندی الاصل بریتانیا در دربار کابل نیز همراه امیر به جلال آباد رفته بود که راجع به قتل امیر به حکومت خود نوشته:

«هیچکس جرئت ندارد نظریه اش را در مورد قاتل امیر اظهار کند زیرا اشتباهات به شاه ولی خان که به خانواده مصاحبان<sup>(۱۱)</sup> مربوط است متوجه میشود، در حالیکه هویت قاتل هنوز به طور قطع معلوم نیست» در همین اثر که متن آن متنکی به اسناد بریتانی است تذکر رفته که: چند سال بعد از این واقعه هنگامیکه حکومت امان الله خان برای شجاع الدوله وزیر امنیه اعتمادنامه وزارت مختاری افغانستان در لندن مطالبه کرد، وزارت خارجه انگلستان موضوع رد نمودن این درخواست را بر اساس این شایعه که گویا

شخص مذکور قاتل امیر حبیب الله خان میباشد مورد مطالعه قرار دارد . (۱۲) همین مؤلف از قول نویسنده افغانستان در مسیر تاریخ مینگارد که : « میر غلام محمد غبار اندکی بعد از حدوث واقعه در وزارت امنیه و بعد در ریاست تنظیمه همکار نزد یک شجاع الدوله خان بود و از زبان خود او روایت میکند که به کشتن امیر حبیب الله خان به دست خود اغتراف نمود . » (۱۳) باز مرحوم فرهنگ کمی بعد تر در اثرش مینویسد که : « یکی از دوستان که در دوره پادشاهی امان الله خان با غلام نبی خان چرخی همکار بود از قول او حکایت کرده که گفت :

امیر حبیب الله خان با اشاره امان الله خان به دست شجاع الدوله به قتل رسید . »

فضل غنی مجددی در اثر خود « افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان » نقش مستقیم شجاع الدوله خان را در قتل امیر حبیب الله خان رد نموده مینویسد : « جناب دکتور اختر مستمندی در موضوع اشتراک شجاع الدوله در شهادت امیر حبیب الله خان در مجله نامه خراسان نوشته بود و من خواستم تا موضوع را از زبان خود شان شنیده نقل قول نمایم . دکتور مستمندی فرمود که بعد از مدت پنجاه سال مرحوم عبدالرحیم خان دوله به امریکا آمد تا خواهران خود را ببیند . ملاقات در منزل دکتور مستمندی صورت گرفت . عبدالرحیم خان در موضوع شهادت امیر حبیب الله خان و نقش شجاع الدوله حکایت کرد که چند روز قبل از وفات شجاع الدوله در شفاخانه در حالیکه خانم سردار محمد حسین خان حاضر بود ، شجاع الدوله قسم یاد کرد که بالای امیر شوید فیر نکرد لیکن در گروپی که برای قتل امیر حبیب الله خان کار میکرد عضویت داشت . »

مرحوم حبیبی به استناد اظهارات دیپلوم انجینر محمد اکرم پرونتا (۱۴) شجاع الدوله غوربندی را قاتل امیر حبیب الله خان معرفی مینماید . مرحوم حبیبی با نقل قول مستقیم از پرونتا مینویسد که : « در ایام تحصیل در بر لین (حدود ۱۳۱۰ هش) به دیدار شجاع الدوله خان غوربندی مقیم بر لین رفت . بر میز اتفاق عکس جوانی دیده میشد ، پرسید که این کیست ؟ شجاع الدوله گفت : عکس کاکایت جوهر شاه شهید است ، مردیکه در اولین نهضت مشروطه خواهی قربانی گردید . ولی من با این انگشت (اشاره به انگشت شهادت دست راست ) انتقام خون او را از امیر گرفتم . مشهور است که قاتل امیر حبیب الله خان در کله گوش لغمان همین شجاع الدوله از غلام بچگان فعل دربار بود . » به گمان اغلب توضیحات محمد اکرم پرونتا قویترین سندی باشد در ارتبا طشناخت هویت قاتل امیر حبیب الله خان که تا اکنون ارائه گردیده است . در کتاب « ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان » اثر محترم مسعود پوهنیار که مستند به اقوال شفا هی پدرش میر سید قاسم خان از جمله بنیان گذاران جنبش مشروطیت در افغانستان است معمای قتل امیر حبیب الله خان را طور مستند تر بیان نموده که هر نوع شک و شبه را رفع و عامل قتل را این طور افشاء مینماید :

« ... با لآخره هنگامیکه امیر حبیب الله خان برای شکار ما هی به کله گوش دره الینگار لغمان رفته و شب در خرگاه شاهی استراحت کرده بود به ساعت سه بعد از نیم شب پنجشنبه ۱۸ جمادی الاول ۱۳۳۷ هق مطابق ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ م شجاع الدوله فراشبادی حضور آهسته به خرگاه داخل شده با کمال آرامی تقنگچه را در شفیقه طرف چپ او خالی کرد به سرعت از خیمه خارج شد ، اما کرنیل نوکریوال شاه علی رضا خان که شخصی قوی هیکل و تنومند بود ، اورا محکم گرفت لیکن در همین اثناسیه سالار محمد نادرخان که پوستین

غزینچی د وزی دراز سر تاقد م بر شانه داشت رسیده قفاق محکم بروی شاه علی رضا خان زده قاتل را رها کرد و گفت آرام باشد که ا علیحضرت خواب است . »

با در نظر داشت مطالب فوق الذکر پیرامون عاملین قتل امیر موصوف اکنون کدام ابها می باقی نمی ماند و اکثر محققین متفق لقول اند که این عمل بدست شجاع الدوله خان فراشبادی مطابق پلان مشروطه خواهان بالخصوص شاخه حزب جنگ و همکاری آگاهانه خانواده مصاحدان در ۲۱ فبروری ۱۹۱۹ مدر کله گوش لغمان صورت گرفت ، اما آنچه بیشتر در خور توجه است اینست که اهداف طراحان و عاملین قتل متفاوت بوده ، بدین معنی که اگر مشروطه خواهان و قسمای حزب جنگ با از بین بردن امیر از صحنه سیاسی ، خواهان آوردن تغییرات اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی در جامعه بودند ، اما خانواده مصاحبان آرمان دیگری داشتند و آن تطبیق « ماستر پلان حکومت بریتانیا » یعنی به قدرت رسیدن آن خانواده بود که باتزویر و تحрیکات ، قدم به قدم به هدف خود نزدیک و نزدیکتر میشدند . برای تائید این ادعا از خوانندۀ محترم تقاضا میشود پراگرافی از کتاب « نادر چگونه به پادشاهی رسید » اثر رسیدال یوسفزی (۱۵) را مرور نماید : « نادر خان حتی در زمان پادشاهی امیر حبیب الله خان از طرف مقامات مسؤول دولت بریتانیا در جمله کاندیدهای سلطنت افغانستان بوده است . شکی نیست که این انتخاب هم اتفاقی نبوده بلکه ریشه های آنرا باید در قرن پیشتر از زمان سردار سلطان محمد خان طلایی جدا اعلی این خانواده و ارتباط با انگلیس ها سراغ نمود و دوام این رابطه را توسط یحیی خان و زکریا خان پسران او که عملاً در جنگ دوم افغان و انگلیس جانب انگلیس را گرفته بودند ، سپس توسط فرزندان شان سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان مصاحدان خاص امیر حبیب الله خان جستجو نمود و بالآخره ما بعد آنرا در دوره ای باید تعقیب کرد که خود نادر ، برادران و عموزادگانش همه در دیره دون زیرنظر مستقیم کارکنان حکومت استعماری هند بریتانیوی تحت تربیه بودند و هرکدام شان توسط استادان لایق در دبستان مشهور استعمار در رشتۀ به خصوص کسب تخصص مینمودند . تازماً نیکه شرایط در داخل افغانستان برای بازگشت این خانواده و آغاز فعالیت های آنها مساعد گردید و این در سال آخر پادشاهی امیر عبد الرحمن خان و زمانی بود که انگلیس ها از ختم زمان مداری بلکه پایان عمر آن پادشاه مطلق العنان اطمینان داشتند و میخواستند این گروه تازه وارد ، از روز اول ، جانشین اورا بلا رقبه احاطه نمایند ، چنانچه بر طبق نقشه انگلیس این کار به سهولت صورت پذیر گردید ، زیرا پادشاه جدید دختر زیبای سردار محمد یوسف خان را طلبگار شدو راه برای داخل شدن تمام افراد خانواده در دستگاه دولت باز گردید . »

اظهارات « رسیدال یوسف زی » را گفتار « ریه تالی ستیوارت » مؤلف کتاب « آتس در افغانستان » نیز تأثید مینماید که مینویسد :

« ... ناگفته نماند که حکومت بریتانیا نادر را برای پادشاهی در نظر داشت ، انگلیس ها میگفتند که بعد از این یعنی بعد از امام الله خان او یگانه شخص برای پادشاهی افغانستان میباشد . » (۱۶)

محمد نادر خان در بین خانواده مصاحدان از همه بیشتر مورد توجه حکومت بریتانیا قرار داشت ، او در عهد حکومت حبیب الله خان به رتبه بلند ملکی و نظامی ارتقاء یافت . نادر خان نه تنها در زمان سلطنت امیر حبیب الله خان در تحت چتر حفاظت حکومت بریتانیا آگاهانه و آزمدناه حرکت مینمود و پلان های مطروحه انگلیس را تعقیب میکرد بلکه در تضعیف و تخریب دولت امانی از طرق مختلف نقش بسزایی داشت . چنانچه

کودتای ۸ مارچ ۱۹۲۸م در غیاب امان الله خان ، زمانیکه او مشغول سفراروپا بود به نام « توطئه پتیاله » (۱۷) پلان گذا ری میشود که خوشبختانه به وقت و وعده کشف و خنثا گردید ، البته در بخش مربوطه آن به تفصیل صحبت خواهد شد .

حادثه قتل امیر هر چه باشد و هر تعبیر و تفسیریکه محققین و نویسندها بنما یند عاری از انگیزه سیاسی نبود ، از یکطرف در ساحه اقتصادی چون مناسبات نظام فیودالی قرون وسطاً یی در کشور مسلط بود و طبعاً مشخصه این سیستم - استبداد و اختناق ، بروکراسی و فساد اداری ، فقر و بیماری ، خودکامگی و عیاشی امیر و ارتشهای ماوراء دولتی بود که ملت را سخت خوار و زبون ساخته بود و از جانب دیگر در عرصه سیاسی امیر تقریباً تمام قرار داده و تعهدات اسارت بار پدر را با حکومت هند بریتانی تائید نمود ، چنانچه قرارداد ۲۱ مارچ ۱۹۰۵م با رئیس هیأت سیاسی بریتانیا در کابل - لویس ویلیام دین که سراسر موید تعهدات امیر عبدالرحمان خان بود عقد گردید که مطابق متن آن امیر یک بار دیگر استیلای استعماری بریتانیا را بمقدرات ملی و بین المللی کشور مهر تأیید زد که این عمل امیر روشنفکران ، مشروطه طلبان و سراسر مردم افغانستان را ساخت . بناء در برابر حلقات روشنفکری و دیگر اندیشان جز اینکه امیر را از صحنه سیاسی به دور ساخته ، دست به اصلاحات ضروریه : حصول استقلال سیاسی و تنفيذ قوانین و تشکیل حکومت مشروطه در جامعه افغانی بزنند راه دیگر وجود نداشت . بنا بر آن قتل امیر مطابق پلان در زمان و مکان معین توسط حلقه خاص مشروطه خواهان ، که تفصیلش در فوق رفت ، به منصه اجراء گذاشته شد و آرمان مشروطه خواهان اول و دوم یعنی ایجاد یک دولت مشروطه ، مستقل و قانونی تحقیق پذیرفت .

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**

**97 Forest Heights Str.**

**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**

**Tel (905) 665-8767**